

نویسندگان :



* سوسیلو ویبیسونو (Susilo Wibisono)



* وینفرید ار لویس (Winnifred R. Louis)



* جولندا جیتن (Jolanda Jetten)

منابع و تاریخ نشر:

- مدرسه روانشناسی پوهنتون کوینزلند پرزین استرالیا
- گروه روان شناسان از پوهنتون اسلامی اندنیزیا «Yogyakarta»
- (18-11-2019).

برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

مقاله تجزیوی و تحلیلی مفهومی

تجزیه و تحلیل جدید چند بُعدی افراط گرایی مذهبی

A multidimensional analysis of religious extrimism

اگرچه افراط گرایی مذهبی در حال حاضر یک بحث داغ است ، اما اغلب به یک ساختار یک بُعدی که با خشونت مذهبی مرتبط است ، کاهش می یابد. ما استدلال می کنیم که استفاده معاصر از اصطلاح "افراطی" نمی تواند تفسیرها ، باورها و نگرش های مختلف هویت دینی افراطی را مشخص کند. برای پرداختن به این موضوع ، ما معنای اصطلاح "افراطی" را در زمینه های مذهبی باز می کنیم و به درخواست دانشمندان برای ارائه یک چارچوب جامع تر که شامل ابعاد مختلف تشکیل دهنده دین است ، پاسخ می دهیم. ما بر اساس تنوع گروه های اسلامی در اندونزی ، الگویی از افراط گرایی مذهبی را در ابعاد کلامی ، آیینی ، اجتماعی و سیاسی دین توسعه می دهیم. با فراتر از تحلیلی که افراط گرایی مسلمانان را با خشونت یکی می داند ، استدلال می کنیم که مسلمانان (یا در واقع هر گروه مذهبی) ممکن است در برخی ابعاد افراطی باشند اما در برخی دیگر معتدل باشند ، به عنوان مثال ، در آیین افراطی و در سیاسی معتدل باشند. تفسیر افراط گرایی نسبت به این چهار بُعد بینش جدیدی را در هنگام بررسی مسئله جهانی افراط گرایی مذهبی ارائه می دهد و به پیش بینی بهتر نحوه بیان افراط گرایی دینی کمک می کند. به طور کلی ،

چارچوب ما به درک درستی از رادیکا لیسم کمک می کند که فراتر از تمرکز بر خشونت است .

مقدمه

اخیراً ، شاهد افزایش تحقیقات روان شناختی در مورد بررسی نقش دین در زندگی انسان ها بودیم (به عنوان مثال ، **یسلدیک** و همکاران ، 2010 ؛ **کوئل** و **لیونز** ، 2011 ؛ **برامبیلا** و همکاران ، 2016) . این افزایش علاقه احتمالاً می تواند با نگرانی های اخیر جهان غرب در مورد پیا مدهای اجتماعی و سیاسی افزایش "**دین بد**" توضیح داده شود (**بنیادو** و همکاران ، 2016) . در نتیجه ، بحث های شدیدی در مورد خطر اجتماعی در برابر ارزش دین و نقش آن در دولت انجام شده است (**کوئل** و **لیونز** ، 2011) . با این حال ما می توانیم استدلال کنیم که مفاهیم ادیان "**خوب**" در برابر "**بد**" ، یا حتی دسته بندی های دو بُعدی دین داری به عنوان معتدل در برابر افراط ، در مورد مسائل عدالت نمی کند و به درک های ساده ای منجر می شود که در آن افراط گرایی مذهبی اغلب وجود دارد . تنها به عنوان عامل اصلی خشونت و تروریسم در نظر گرفته می شود .

چنین مفاهیم و دسته بندی هایی اهمیت دارند: اعضای گروه های مذهبی بسیار متنوع هستند ، به این ترتیب دین (یا حتی افراط گرایی مذهبی) به روش های بسیار متفاوتی بیان می شود . مشکل ساز این است که این گونه با زنجاری های ساده از آن جهت که تصور گروه های افراطی را تعیین می کند ، مهم است . به عنوان مثال ، پس از 11 سپتامبر ، تقریباً 70 درصد از سیاست های امنیتی ایالات متحده اعراب و مسلمانان را مورد هدف قرار داد، زیرا آنها با طرفداران جنبش افراطی مرتبط (**2009 Cainkar**) بودند پس به نظر می رسد که اصطلاح افراط گرایی مذهبی کلیشه های منفی را نسبت به گروه های خاصی از افراد مذهبی در میان عموم مردم و سیاست گذاران ایجاد می کند . این امر علیرغم هشدارهای کرر مبنی بر استفاده رایج (یا روزنامه نگاری) از واژه "افراط گرایی" و ارتباط آن با تروریسم رخ می دهد ، ممکن است منجر به سوء تفاهم گروه های خاص شود (**شیپیر** «2003» = شیپیر نام خانوادگی شغلی هلندی به معنی کا پیتان است . افرادی با این نام خانوادگی عبارتند از : **دیوید شیپیر** (زاده 1991) ، بازیکن فوتبال آمریکایی ...

برای مقابله با چنین برداشت های ساده انگارانه از افراط گرایی مذهبی ، ما یک مدل چند بُعدی از افراط گرایی مذهبی را ارائه می دهیم که هدف آن پیشبرد دانش ما از دین به عنوان یک هویت پیچیده و متنوع اجتماعی است (**یسلدیک** و همکاران ، 2010) . به طور خاص ، ما این ایده را که افراط گرایی مذهبی تنها در یک روش خاص ظاهر می شود ، به چالش می کشیم و نشان می دهیم که یک بُعد از افراط گرایی مذهبی (به عنوان مثال ، برنامه ای رادیکال در سیاست) لزوماً با افراط گرایی در بعد دیگر (به عنوان مثال ، عدم تحمل تنوع در مناسک) (بنابراین ، برای درک تمایل مردم برای حمایت از اقدامات سیاسی خشونت آمیز ، ما باید افراط گرایی مذهبی را در ابعاد مختلف بررسی کنیم و این ایده را باز کنیم که هر گونه افراط گرایی مذهبی با تمایل به دستیابی به اهداف به روش های خشونت آمیز همراه نیست .

در این مقاله ، ما به طور مختصر تفاسیر و درک های مختلف افراط گرایی در داخل دین را مرور می کنیم و مدلی جایگزین را ارائه می دهیم که امکان درک دقیق تر و کامل تری از ابعاد مختلف دین را فراهم می آورد . ما استدلال می کنیم که تجزیه و تحلیل ما به توضیح این امر کمک می کند که چرا علیرغم شباهت های ظاهری که باعث می شود افراد خارجی آنها را به هم متصل کنند ، جنبش های شدید اغلب با یکدیگر بر سر معنای بودن یک فرد مذهبی خوب در تضاد هستند . برای نشان دادن ماهیت چند بُعدی افراط گرایی مذهبی ، ما بر یک زمینه خاص تمرکز می کنیم: مسلمانان اندونزی . ما پیشنهاد می کنیم که در سایر زمینه های اعتقادی ، ابعاد پیشنهادی ممکن است نیاز به افزایش یا تعدیل داشته باشد تا دقیق تر و مفید تر باشد .

اعتدال در مقابل دین داری شدیدی:

در تحقیقات روانشناسی ، از اصطلاحات گوناگونی برای توصیف تعامل با دین استفاده شده است ، مانند دینداری (به عنوان مثال ، گیبس و کریدر ، 1970 ؛ دینر و کلیفتون ، 2002 ؛ پالوتزیان ، 2017) ، بنیادگرایی مذهبی (آلتمایر و هانسبرگر ، 1992 ؛ ویلیامسون ، 2010 ؛ Liht و همکاران ، 2011) ، رادیکالیسم یا افراط گرایی (به عنوان مثال ، سیمون و همکاران ، 2013 ؛ ویر و همکاران ، 2017 ؛ کروگلانسکی و همکاران ، 2018). این اصطلاحات گاهی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند و گاهی مورد مناقشه قرار می گیرند (به عنوان مثال ، بنیادگرایی مذهبی ممکن است توسط برخی از محققان برای اشاره به تفسیری سفت و سخت از کتاب مقدس استفاده شود برخلاف افراط گرایی مذهبی که اغلب با یک برنامه سیاسی خاص مرتبط است). علاوه بر این ، در حالی که دینداری با نتایج مثبت مانند رفاه بیشتر (به عنوان مثال ، کارلوچی و همکاران ، 2015) و رضایت از زندگی (به عنوان مثال ، پرگان و مک کاناتا ، 2001) مرتبط است ، بنیادگرایی مذهبی و افراط گرایی با پیامدهای منفی بیشتری مرتبط است. مانند تعصب (آلتمایر و هانسبرگر ، 1992) ، خصومت (کوپمنز ، 2015) ، و یا حتی درگیری مسلحانه (کرنل ، 2005).

یک تعریف برجسته از افراط گرایی به عنوان انگیزه ای برای تروریسم این است که افراط گرایی شامل باورهای ایدئولوژیکی در مورد الزام به بازگرداندن سیستم سیاسی به شکلی است که توسط هنجارهای دینی از طریق خشونت پیشنهاد شده است (آرنا و آریگو ، 2005) . بنا براین ، برجسته افراط گرایی به گروه هایی نسبت داده می شود که برای برنامه های سیاسی خود علیه سیستم های اصلی که توسط اکثریت مردم پذیرفته شده است (به عنوان مثال ، داعش علیه دولت سوریه ، یا MILF یا جبهه آزادی اسلامی مورو علیه دولت فیلیپین) مبارزه می کنند. چنین تعریفی از افراط گرایی مرتبط با خشونت سیاسی به واکنش های جمعی گسترده علیه ظلم یا بی عدالتی درک شده مربوط می شود و ممکن است با اعتقادات شدیدی تقویت شود یا خیر.

درک افراط‌گرایی مذهبی به عنوان فرضیه سیاسی توسط بسیاری از محققان توضیح داده شده است. به عنوان مثال، افراطیون مذهبی توسط ساگمن (2008) مشخص شده‌اند که به دنبال شهادت هستند و از عصبانیت ناشی از بی‌عدالتی ناشی می‌شوند. به همین ترتیب، ویکتورویچ (2005) یک مدل چهارمرحله‌ای از افراط‌گرایی را که خشونت به اوج خود می‌رسد، پیشنهاد کرد: **اول**، گشودگی شناختی به افراد جدید یا ایده‌های جدید به دنبال تجربیات شکایات شخصی یا گروهی (به عنوان مثال، تبعیض و ستم). **دوم**، فرد فعالیت می‌کند و گشودگی می‌تواند منجر به پذیرش هنجارهای شدید گروه (به عنوان مثال، برای خشونت) شود. اعتقاد به ادعاهای گروه و تمایل به عمل بر اساس هنجارهای گروه می‌تواند بر دیدگاه‌های انتخاب منطقی بازیگر غلبه کند. بنابراین، وقتی هنجار گروه اجازه می‌دهد تا از تاکتیک‌های غیرهنجاری مانند خشونت برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند، افراد عمداً از طرف گروه خشونت می‌کنند.

یلبر و بات (2007) مدل مشابهی از افراط‌گرایی مذهبی را به عنوان نقطه اوج مسیر هویت دینی به خشونت گروهی ارائه می‌دهند. روند افراطی بودن با گشودگی به افکار جدید (به عنوان مثال، در دین) آغاز می‌شود که منجر به تغییر جهان بینی می‌شود. در این فرایند، یک تجربه غم‌انگیز می‌تواند منجر به از دست دادن معنا و ارتباط با هویت اولیه (به عنوان مثال، به عنوان یک معتدل مذهبی) شود. اتخاذ باورها و هنجارهای افراطی که از تراژدی تغذیه می‌کنند با فرایند تلقین توسط یک سازمان افراطی تقویت می‌شود. باز هم تصور می‌شود که افراط‌گرایی مذهبی در بیان خشونت توسط بازیگر به پایان نهایی خود می‌رسد.

رویکردهای مفهومی فوق در مورد افراط‌گرایی افراط‌گرایی را با خشونت انجام شده به عنوان یک عضو گروه مرتبط می‌کند. سایر تجزیه و تحلیل‌های فردی تر از افراط‌گرایی آن را به عنوان تأیید باورهای خاص، مانند وظیفه درگیر شدن در جنگ مقدس خشونت‌آمیز علیه دشمن (**ویبر و دیگران، 2017**) یا همدردی با گروه‌های افراطی و حمایت از اقدامات سیاسی آنها، عملیاتی می‌کند (**سیمون و همکاران، 2013**). برخی از تجزیه و تحلیل‌ها در دو سطح فردی و گروهی انجام شده است: به عنوان مثال، **اشمید (2014)** پیشنهاد می‌کند که برای افراد (یعنی باورهای شخصی) یا گروه‌ها (یعنی همانطور که در هنجارهای گروهی برجسته نهاده شده است)، پنج نشانه هشدار دهنده افراط‌گرایی مذهبی شامل اعتقاد است. در حقیقت مطلق، تأیید اطاعت کورکورانه، تلاش برای ایجاد آرمان شهر، اعتقاد به اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند و اعلام جنگ مقدس. به طور مشابه، **هوک و عادلین (2013)** افراط‌گرایی را از جنبه‌هایی که سطح گروه را پوشش می‌دهد (یعنی دستور کار رادیکال، حمایت از اقدامات خشونت‌آمیز و رهبری اقتدارگرا) و سطح فردی (یعنی اقدامات شدید طرفدار گروه) تعریف کرده‌اند.

در حالی که ما توسعه روشهای ظریف‌تر برای درک افراط‌گرایی مذهبی و تنوع تعاریف فوق را تحسین می‌کنیم، ما پیشنهاد می‌کنیم که این‌گونه تمایزها در بازکردن روشهای متعددی که می‌توان افراط‌گرایی را در آنها بیان کرد، به اندازه کافی جلو نمی‌رود. برای توسعه این تنوع، ما تعریف گسترده‌تری از افراط‌گرایی را اتخاذ می‌

کنیم و افراط‌گرایی را تا آنجا که هنجارهای روشنی در مورد رفتار مناسب و محدودیت بسیار کمی در پذیرش الگوی مختلف هنجارها یا رفتارهای خاص وجود دارد، تعریف می‌کنیم. بنابراین، تمرکز بیشتر بر خود رفتار نیست، بلکه میزان رفتارهای خاصی است که به طور عادی در یک گروه مذهبی تجویز می‌شود و فضای کمی برای انحراف از آن وجود دارد. بنابراین، آنچه در یک بافت تاریخی یا فرهنگی افراطی تلقی می‌شود، ممکن است در زمینه‌ای دیگر متوسط یا اصلی باشد. این کاربرد برخلاف تعاریفی است که توسط محققانی ارائه شده است که افراط‌گرایی را منحصراً با درگیری بین گروهی خشونت‌آمیز مرتبط دانسته‌اند.

مطابق با سدویک (2010)، ما پیشنهاد می‌کنیم که دین، در سطح فردی یا گروهی، می‌تواند در یک پیوستار از متوسط تا افراطی بیان شود، اما با این استدلال که یک پیوستار وجود ندارد، بلکه چندین بُعد بین وجود دارد، فراتر بروید. ما مفاهیم پذیرش افراط‌گرایی را در یک بُعد اما نه در ابعاد دیگر مورد بحث قرار می‌دهیم و استدلال می‌کنیم که صورت‌های فلکی خاص از ویژگی‌های معتدل و رادیکال هنگام در نظر گرفتن نحوه بیان دین مهم هستند. برای نشان دادن ابعاد متعدد افراط‌گرایی مذهبی، ما بر زمینه گروه‌های مسلمان اندونزی تمرکز می‌کنیم. ما پیشنهاد می‌کنیم که تجزیه و تحلیل ما همچنین باید به درک افراط‌گرایی مذهبی در سایر گروه‌های اعتقادی کمک کند اما ابعادی که ممکن است بر اساس آن دین‌داری متوسط در مقابل افراطی بیان شود متفاوت است.

چند بُعدی بودن دین به عنوان چارچوبی برای درک افراط‌گرایی:

ما مطمئناً اولین کسی نیستیم که پیشنهاد می‌کنیم که دین دارای ابعاد متعددی است و این ابعاد به طور منحصر به فردی با رفتارهای مهم مانند رضایت از زندگی، استرس، انحراف جوانان ارتباط دارد. گلاک و استارک (1965) پیشنهاد کردند که در همه ادیان، پنج مولفه متمایز وجود دارد: **ایدئولوژیکی** (اعتقادات)، **عقلی** (دانش)، **آیینی** (رفتار آشکار دینی)، **تجربی** (احساسات یا عواطف) و **پیامد** (تأثیر دینداری در جهان). اخیراً، ساروگلو (2011) چهار بُعد اساسی دین و دین‌داری فردی را ارائه کرد که تا حدی متمایز هستند: **اعتقاد** (یعنی نشان‌دهنده عملکرد شناختی دین)، **پیوند** (یعنی تجربیاتی که افراد را با واقعیت متعالی درک شده، دیگران و دیگران پیوند می‌دهد. باطن)، **رفتار** (یعنی هنجارهای خاص و استدلال‌های اخلاقی که حق و باطل را مشخص می‌کند) و **تعلق خاطر** (یعنی همذات‌پنداری با سنت خاص، فرقه یا یک گروه مذهبی خاص). با توجه به این مدلها و مدل‌های دیگر، بیان رفتاری دین پیچیده و چندوجهی است.

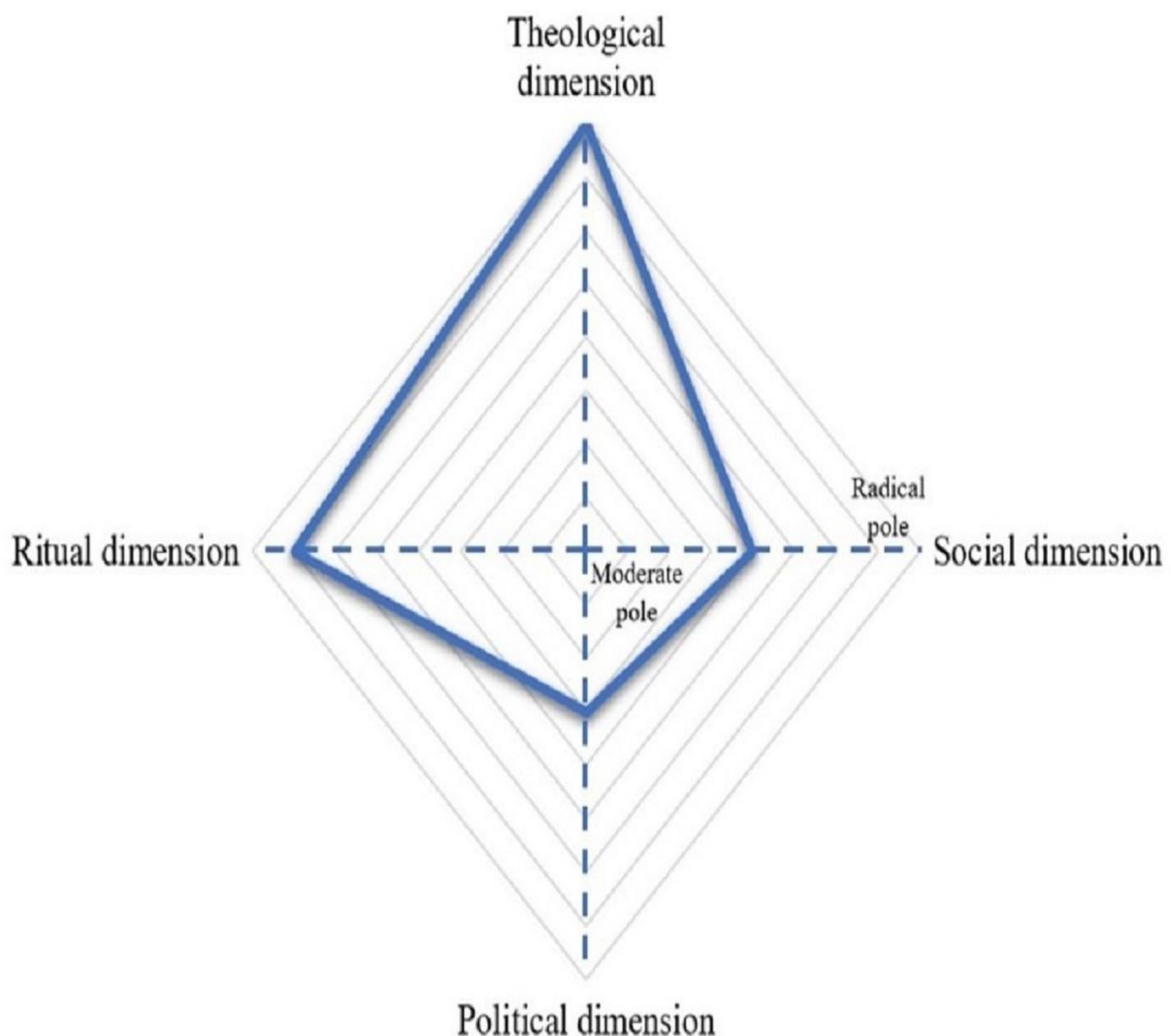
ما برای بررسی افراط‌گرایی مذهبی از این چارچوب‌ها استفاده می‌کنیم. با ترکیب بینش‌هایی از این مدل‌های قبلی، ما یک ساختار چند بُعدی را برای دین پیشنهاد می‌کنیم که می‌تواند به درک راه‌هایی برای بیان دین متوسط در برابر افراطی کمک کند. ما مدل چهار بُعدی خود را در زیر توضیح می‌دهیم، اما به طور خلاصه: نقطه شروع

ما ادبیات مربوط به افراط‌گرایی مذهبی خشونت‌آمیز است، جایی که رایج‌ترین بُعد شنا‌سایی شده (و اغلب تنها بعد مورد توجه) بُعد سیاسی است. علاوه بر این، ما از جنبش‌های مذهبی مختلف در اندونزی که بر روایت‌ها و اعمال خود تأکید متفاوتی دارند الهام گرفتیم. به عنوان مثال، گروهی به نام وحدت اسلامی یک کمپین قوی برای تصفیه اعتقادات کلامی مسلمانان و نحوه انجام مناسک مذهبی دارد و به دنبال بازگشت به استاندارد ایده‌آل گذشته است. با این حال، آنها تمایل دارند سیستم سیاسی فعلی را که برای اداره ملت مورد استفاده قرار می‌گیرد، بپذیرند. در مقابل، حزب التحریر، یک سازمان ممنوعه در اندونزی، پیشنهاد می‌کند که مسلمانان باید با رد سیستم‌های دموکراتیک و دولت-ملت‌ها، یک امپراتوری اسلامی را بازسازی کنند. با این حال حزب التحریر به طور معمول در بحث‌های الهیاتی شرکت نمی‌کند. بنابراین، در کنار بُعد سیاسی، ما سه بُعد دیگر را نیز در نظر می‌گیریم که در جستجوی درک افراط‌گرایی مذهبی در اندونزی ظاهر می‌شوند. دومین بعد الهیاتی افراط‌گرایی که در زمینه اندونزی مرتبط است از بُعد اعتقادی ساروگلو (2011) اقتباس شده است: ما پیشنهاد می‌کنیم که ادیان دارای اعتقادات الهیاتی هستند و این باورها ممکن است افراطی یا معتدل باشند. در زمینه اندونزیایی، بُعد سوم، آیینی، الهام گرفته از بُعد پیوند ساروگلو (2011) است که نشان می‌دهد بین اعضای خود را از طریق اعمال آیینی پیوند می‌دهد. برخی از گروه‌ها در نحوه درک و عمل به مناسک دینی خود و توجیه سایر اعمال به عنوان نوآوری ممنوعه، آزادی عمل بسیار کمی دارند. در نهایت، ما یک بُعد اجتماعی را پیشنهاد می‌کنیم که روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی گروه مذهبی در اندونزی را در بر می‌گیرد. فرایندهای درون‌گروهی شامل هنجارهای گروهی خاصی است که قطب‌نما و روابط اعضا را با یکدیگر کنترل می‌کند. فرایندهای بین‌گروهی شامل دسته‌بندی درون‌گروهی و برون‌گروهی است که در بُعد تعلق ساروگلو منعکس شده است، اما همچنین هنجارهای گروهی خاصی است که روابط با اعضای دیگر ادیان را کنترل می‌کند.

قبل از تشریح این ابعاد، توجه به این نکته ضروری است که چهار بُعد کانونی در مقاله حاضر به این معنا نیست که ابعاد دیگری در توضیح تندروی مذهبی وجود ندارد. ما پیشنهاد می‌کنیم که ابعاد کانونی در درک دیدگاه گروه‌های مذهبی در زمینه اندونزیایی معاصر اهمیت دارد. با این حال، این چهار بُعد ممکن است در نتیجه تحولات تاریخی و فرهنگی خاص یا مقایسه گروهی کم‌وبیش اهمیت پیدا کنند و این همچنین ممکن است به این معنا باشد که برای سایر گروه‌های مذهبی و هنگام مطالعه زمینه‌های دیگر، لازم است ابعاد دیگری نیز در نظر گرفته شود. زرکاسی، 2008؛ (پسلدیک و همکاران، 2010) در زیر ما چهار بُعد را به نوبه خود در نظر می‌گیریم و نحوه استفاده از ابعاد در تحقیقات را مشخص می‌کنیم.

اعتدال در برابر دین افراطی: رویکردی چند بُعدی بر اساس جنبش های مذهبی در اندونزی

ما در **شکل 1** به افراط گرایی مذهبی و ابعاد متعدد دین می پردازیم. با استفاده از دیدگاه کلاسیک که بیان دین از طریق ابعاد متعدد است (گلاک و استارک ، 1965 ؛ ساروگلو ، 2011) ، پیشنهاد می کنیم که افراط گرایی مذهبی چند بُعدی را از طریق جداگانه سیاسی الهیاتی مورد بررسی قرار دهیم ، مناسب ، و ابعاد اجتماعی که ممکن است با هم متفاوت باشند یا نباشند .



شکل 1. تصویر پیوستار شدید و متوسط در نمایشی چند بُعدی از دین. این تصویر یک گروه مذهبی با افراط گرایی بالا در ابعاد کلامی و آیینی اما اعتقادات معتدل در ابعاد اجتماعی و سیاسی را نشان می دهد

Dimensions	Moderate end	Extreme end
Theological	<p>Main characteristic: gracious theology</p> <p>In the context of Muslims:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. Emphasis on God as a loving God and 2. A flexible interpretation of "jihad" with connotations to positive change. 	<p>Main characteristic: authoritarian theology</p> <p>In the context of Muslims:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. Emphasis on God as an angry God and 2. "Jihad" refers to only a holy war.
Ritual	<p>Main characteristic: tolerance of diversity</p> <p>In the context of Muslims:</p> <p>Viewing the integration of rituals from Islam with local traditions as positive cultural practices.</p>	<p>Main characteristic: intolerance of diversity</p> <p>In the context of Muslims:</p> <p>Actively rejecting local traditions and judging actors involved in them as sinful.</p>
Social	<p>Main characteristic: complexity acceptance</p> <p>In the context of Muslims:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. Attributing in-group problems to anti-intellectual biases, geopolitical instability, and corruption and 2. Respecting people living with different norms. 	<p>Main characteristic: complexity avoidance</p> <p>In the context of Muslims:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. Attributing in-group problems to out-group conspiracies and 2. Judging others by in-group's specific norms.
Political	<p>Main characteristic: maintenance agenda</p> <p>In the context of Muslims:</p> <p>Integrating Islamic values with modern political concepts.</p>	<p>Main characteristic: radical agenda</p> <p>In the context of Muslims:</p> <p>Advocating for a resurrection of an Islamic empire.</p>

جدول 1. ترسیم نقاط پایان متوسط و شدید چهار بُعد دین

از متوسط تا افراطی: بُعد سیاسی

روشی که دین و سیاست با یکدیگر با آن ارتباط برقرار کنند، در طول تاریخ منبع بحث و جدال شدیدی بوده است (آرمسترانگ، 2000). در ادبیات روانشناسی، به بُعد سیاسی دین توجه چندانی نشده است (به عنوان مثال، Diener و Clifton، 2002؛ Saroglou، 2010) (مگر اینکه در زمینه دین "بد" باشد) (Bazau) و همکاران (2016). با این وجود، همانطور که در بالا اشاره شد، اعتقادات و اقدامات سیاسی کانون اصلی "افراط گرایی مذهبی" بوده است که توسط محققان تعریف شده است (به عنوان مثال، وپر و همکاران، 2017). در این رویکرد، جنبش های مذهبی افراطی به دنبال قدرت سیاسی هستند تا از طریق قوانین یا زور، پذیرش هنجارهای دینی خود را ترویج دهند.

افراط گرایی مذهبی معاصر در بعد سیاسی برای اسلام اغلب با حمایت از خلافت یا امپراتوری مسلمانان همراه است، که از سالهای «700 تا 1924 میلادی، زمانی که آخرین خلافت عثمانی در ترکیه لغو شد، به اشکال مختلف ادامه داشت. در این مدت، اسلام هم با یک دولت سلسله مراتبی، گاه توسعه طلب، و هم با یک سیستم خاص از اعمال مذهبی، حقوقی و فرهنگی به نام قوانین شرع در ارتباط بود. گروه های افراطی تر از یک برنامه رادیکال در تغییر سیاسی حمایت می کنند (به عنوان مثال، احیای امپراتوری اسلامی، دولتی بدون مرز که همه ملل مسلمان را در بر می گیرد، وارد، 2009؛ عثمان، 2010 الف). آنها معتقدند که باید هنجارهای سیاسی برای تغییر سیستم های سیاسی فعلی که در بسیاری از کشورهای مسلمان تغییر یافته است، اعمال شود. گروه های معتدل تر اما برای ادغام ارزشهای دینی در سیستم های سیاسی کنونی (مانند دموکراسی، دولت ملی و غیره) تلاش می کنند. آنها معتقدند که دین نباید از طریق بُعد سیاسی به طور معمول برجسته ترین بُعد برای محققان هنگام بحث درباره افراط گرایی مذهبی اسلامی است، همانطور که در مورد سایر گروه ها است. مواضع شدیدتر در مورد این بُعد سیاسی مانند حمایت از شرع جامع، حمایت از احیای خلافت و رد دموکراسی توسط فیالی (2004) برای شناسایی گروه های افراطی در اندونزی استفاده شد (به عنوان مثال، دارالاسلام، انجمن مجاهدین اندونزی، نیروهای جهاد، و حزب التحریر). علاوه بر این، میزان تأیید و مشارکت گروه های مذهبی در سیستم های سیاسی فعلی در اندونزی برای شناسایی جنبش های معتدل تر اسلامی در اندونزی (به عنوان مثال، محمدیه، نهضت العلماء و غیره) استفاده شده است. قانونی شدن نظم بالین حال، باید توجه داشت که افراط گرایی مذهبی در بُعد سیاسی می تواند به طرق مختلف ظاهر شود و گروه های افراطی سیاسی راه های متفاوتی را برای تطبیق قانون اساسی با موازین مذهبی پیشنهاد می کنند. به عنوان مثال، برخی از گروه های مذهبی پیشنهاد می کنند قوانین شریعت را از طریق حکومت دموکراتیک ترویج دهند، گروه های دیگر سیستم سیاسی فعلی را با فعالیت فعالانه برای تحمیل شرع بدون خشونت رد می کنند. و سرانجام، هنوز گروه های دیگری مانند از خشونت برای ایجاد بی ثباتی در دولت استفاده کنند (رجوع کنید به وارد، 2009؛ وپر و همکاران، 2017) یا بدون

حمایت از ابزارهای خشونت آمیز ایجاد تغییر، حمایت از قوانین جامع شرعی و همچنین احیای یک امپراتوری اسلامی یک برنامه اساسی برای تغییر نظام سیاسی فعلی را منعکس می‌کند. تماعی خود نمایان سیاسی شود.

. علاوه بر این دیدگاه‌های مختلف در مورد جایگاه دین در ایالت، گروه‌های مسلمان نیز در حمایت از دموکراسی متفاوت هستند (به عنوان مثال، **Halla** و همکاران، 2013) برخی از آنها دموکراسی را رد می‌کنند و معتقدند که دموکراسی به عنوان یک سیستم سیاسی با اسلام ناسازگار است (Fearly، 2004؛ Ward، 2009) که دستورات اسلامی در مورد همه مسائل مربوط به زندگی به وضوح در قرآن و حدیث بیان شده است (کلمات، رفتارها، و تأییدات پیامبر). این دیدگاه معتقد است که موسیوارا (بحث سیاسی برای رسیدن به اجماع) فقط باید برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل فنی خاص استفاده شود، نه اصول اساسی عملکرد اجتماعی (نورهایاتی، 2014). در مقابل برخی دیگر از گروه‌های مسلمان از یک سیستم سیاسی خاص حمایت یا تحریم نمی‌کنند بلکه از اصول مدارا و احترام در اداره همه نظام‌های سیاسی حمایت می‌کنند. به این ترتیب، گروه‌های اخیر دموکراسی را به عنوان یکی از راه‌های مدیریت امور ملی که در تضاد با اسلام نیست، درک می‌کنند (وارد، 2009؛ نورهایاتی، 2014).

از متوسط تا افراطی: بُعد الهیاتی:

اعتقادات کلامی دین را برای افراد عادی تعریف می‌کند (ساروگلو، 2011)، و محققانی مانند استارک و گلاک (1968) اهمیت بازنمایی‌های مفهومی از خدا را در درک تعامل مردم با دین خود برجسته کرده‌اند (همچنین نگاه کنید به گرانقویست و همکاران، 2010) به تصورات مختلف از خدا یک تصویر فوری از جهان بینی دینی مردم ارائه می‌دهد. پس چگونه می‌توان اشکال معتدل و شدیدتر دین را شکل داد؟ ما پیشنهاد می‌کنیم که برای گروه‌های مذهبی که در انتهای معتدل بُعد الهیاتی قرار دارند، اعتقادات یک نیروی کیهانی غیرشخصی که از امور دنیوی (دئیسیم) فاصله دارد، غالب باشد. دیدگاه‌های معتدل درباره خدا به عنوان یک عامل شخصی (خدا باوری؛ پادر و پالمر، 2011) موجودی را پرورش می‌دهد که عشق را تقویت می‌کند و نه خصومت، که به موجب آن تصویر خدا با تصاویر لپزیر (به عنوان مثال، بخشنده، مهربان و غیره) مشخص می‌شود که اجازه می‌دهد متفاوت باشد تفسیرهای دینی و گسترش پذیرش به سمت الگوهای مختلف هنجارها. در مقابل، گروه‌هایی که در انتهای انتهای پیوستار الهیاتی قرار دارند، معمولاً خدا را یک عامل شخصی می‌دانند و نامهایی را برای خدا در نظر می‌گیرند که حاوی تصویری اقتدارگرا هستند (به عنوان مثال، مجبورکننده، فاتح، و غیره). که برای سرکوب روایات مختلف منجر به تفاسیر اجبار سخت می‌شود.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این تصاویر خدا نتیجه‌ای هستند. به عنوان مثال، باورهای هنجاری مرتبط با تصویر اقتدارگرا از خدا، حمایت بیشتری از مجازات اعدام را پیش‌بینی می‌کند (بادر و پالمر، 2011). علاوه بر این، یک تصور اقتدارگرا (به عنوان مثال، خداوند به عنوان کسی که با عصبانیت برخورد می‌کند) با تمایل به تفکر، احساس و اعمال مجازات بیشتر نسبت به افرادی که "شیطان" تلقی می‌شوند، مرتبط است. در مقابل، افرادی که خدا را به شیوه‌ای تربیت‌کننده‌تر توصیف می‌کنند (به عنوان مثال، خدا عشق است) به شیوه‌ای اجتماعی‌تر نسبت به دیگران واکنش نشان می‌دهند (گرانکوویست و همکاران، 2010). از نظر تاریخی، تصویری اقتدارگرا از خدا غالباً با روایت‌های آخرالزمانی همراه بود تا مردم را به گروه خود تبدیل کند و مردم را مجبور به ترک هنجارهای "غیراخلاقی" خود کند (باسی، 2001).

بر اساس این رویکرد، ما پیشنهاد می‌کنیم که تنوع در ابعاد کلامی افراط‌گرایی با رفتارهای مختلف برای دستیابی به اهداف گروهی و وفاداری به گروه مذهبی مرتبط است. مواضع معتدل در بُعد الهیاتی با برجستگی تصاویر زیبا از خداوند و درک تفاوت در باورهای الهیاتی نشان داده می‌شود. برعکس، گروه‌هایی که در انتهای انتهای پیوستار کلامی واقع شده‌اند و تصویری اقتدارآمیز از خدا را در بر می‌گیرند، به احتمال زیاد به اعتقادات مغایر با الهیات اعتقاد دارند. به عنوان مثال، ما پیشنهاد می‌کنیم کسانی که معتقد به استبداد و آزار و اذیت خدا هستند معتقد باشند که بلائی طبیعی بیشتر در گروه‌هایی رخ می‌دهد که به شیوه‌هایی زندگی می‌کنند که خدا از آنها رضایت ندارد. علاوه بر این، مسلمانانی که تصور اقتدارگرا از خدا را تأیید می‌کنند، تمایل دارند معنای "جهاد" را به عنوان وظیفه شرکت در جنگ مقدس تعریف کنند، در حالی که کسانی که در انتهای معتدل پیوستار قرار دارند، تفسیر انعطاف‌پذیرتری از این کلمه خواهند داشت. "جهاد" به عنوان رفتاری با هدف ایجاد تغییرات مثبت (اسپوزیتو، 2002). تمایز مشابهی را می‌توان در مسیحیت مشاهده کرد: تفسیرهای وظیفه‌مذهبی برای ایجاد "پادشاهی خدا" توسط معتدل به عنوان یک تمرین معنوی برای تبدیل جامعه به سوی محبت، مراقبت و فراگیری بیشتر تفسیر می‌شود، در حالی که برای گروه‌های مسیحی واقع شده است. در انتهای شدید پیوستار الهیاتی، این وظیفه به عنوان نیاز به ساختن امپراتوری فیزیکی ایجاد شده از طریق اقدامات نظامی صلیبی در نظر گرفته می‌شود (ویتلرک، 2011).

از متوسط تا شدید: بُعد تشریفاتی

مناسک خاص بیان عبادت یا احساسات مشترک با دیگران را امکان‌پذیر می‌کند (وایتهاوس و لانمن، 2014)، و به تفسیر مفاهیم دین به عنوان یک تجربه زنده کمک می‌کند. بسیاری از دینداران معتقدند که مراسم مذهبی آنها مستقیماً توسط خداوند هدایت می‌شود. به عنوان مثال، اکثر مسلمانان معتقدند که خداوند مراسم اصلی آنها از جمله نمازهای آنها را پنج بار در روز هدایت می‌کند. با این حال، هنگامی که دین به جامعه وسیع‌تری سرایت کرد، ممکن است الگوهای مختلفی از آیین‌ها یا از آداب و رسوم

محلّی و یا از ادغام مناسک مذهبی با سنت های محلّی سرچشمه گیرد. این شیوه های جدید اغلب می تواند طرفداران مذهبی را در گروه هایی قرار دهد که یا در معرض تأثیرات جدید قرار دارند، یا سازش ها را رد می کنند و آنها را نوآوری های ممنوعه می دانند. به عنوان مثال، برخی از مهاجران **ماند ینگا** در **پرتغال** مراسم "نوشتن روی دست" را برای اعطای هویت مسلمان و قومی ضروری می دانند (**جانسون، 2006**). در این آیین، کودکان با داشتن یک آیه روی دستان خود به مطالعه قرآنی (و بزرگسالی) روی می آورند و سپس آن را تشریف می آورند و آیه را می بلعند. این آیین برای کسانی که احساس می کنند برای حفظ پاکی اسلام باید از این "رسم" **ماند ینگا** صرف نظر کرد (**جانسون، 2006**) کنار گذاشته شد.

ما پیشنهاد می کنیم که عدم تحمل تنوع در شیوه های آیینی افراد معتدل را از گروه های مذهبی شدیدی در این بعد متمایز می کند. دین معتدل در بعد آیینی با دیدگاههای تسامح آمیز در مورد تأثیر سنتهای محلّی در نحوه اجرای مراسم آشکار می شود. گروه های معتدل می توانند تأثیر سنت را در آیین بی پذیرند زیرا این یک مراسم اجباری نیست و مستقیماً توسط خدا آموزش داده نمی شود. برعکس، گروههایی که در انتهای انتهای پیوست الهیات قرار دارند، بیشتر تلاش می کنند تا مراسم مذهبی را خالص نگه دارند. این اغلب همراه با هوشیاری برای حفظ تمامیت مناسک است، اما همچنین با تنش بین گروهی همراه است که به موجب آن گروه های افراطی گروه های معتدل تر را در عمل خود متهم به گناه می کنند. به عنوان مثال، **جنبش سلفی** در **اندونزی** قوی ترین گروهی است که در جهت خلوص در مناسک مخالف سنت های دینی مسلمانان با آرامش بیشتر مانند اجازه عبادت در قبرستان اجداد و **جشن تولد پیامبر** تلاش می کند. جنبش سلفی تا حدودی به مسلمانان دیگری که این مناسک را انجام می دهند به عنوان بت پرست (**Musyrik**) یا حتی کافران (کافر) برچسب می زند. البته این برچسب ها از نظر روانی برای گروه های برچسب زده مسلمانان دردناک است. در سنت مسیحیان، **جنبش پوریتان** یکی از نمونه های تاریخی افراط گرایی آیینی است که سایر فرقه های مسیحی را به عنوان ناکافی خالص و با تحمل سست در اعمال فرهنگی نادیده گرفته است.

از متوسط تا شدیدی: بعد اجتماعی

بعد اجتماعی مربوط به روابط بین گروهی با سایر گروهها (مذهبی و غیر آن) و همچنین فرایندهای درون گروهی است که در هنجارهای نحوه تعامل با دیگران منعکس شده است. افراط گرایی در بعد اجتماعی معمولاً دیدگاه خصمانه ای نسبت به سایر ادیان دارند. از نظر آنها، گروه های خارج از گروه های توطئه شوم به عنوان پیاده برای تحت تأثیر قرار دادن اعضای گروه مذهبی خود استفاده می کنند (**Fealy، 2004**)؛ (**Kohut et al.، 2006**) در نتیجه، سرزنش دیگران (به عنوان مثال، خارجی ها) به دلیل آسیب های درون گروهی، روایتی رایج برای جلب حمایت مردم از دستور کار آنها است. در مقابل، اعضای معتدل تریک دین اغلب دلایل اصلی مشکلات درون گروهی را به عوامل داخلی مانند سوگیری های ضد فکری، بی ثباتی ژئوپلیتیک و فساد نسبت

می دهند (لاکی ، 2013). گروه‌های معتدل تمایل بیشتری به پیچیدگی در تجزیه و تحلیل علل مشکلات درون گروهی دارند. گروه‌های معتدل نیز بر ضرورت تغییر جهت رفع نگرانی‌های مدرن تأکید بیشتری دارند .

در نتیجه ، گروه‌های معتدل تر تمایل بیشتری برای همکاری در گفتگوی بین مذهبی و بین فرهنگی دارند در حالی که گروه‌های مذهبی شدید تر بر رد و اجتناب تأکید می کنند. گفتگوی بین ادیان اغلب توسط فعالان مذهبی معتدل تر توسعه می یابد تا همکاری بین مذهبی را به عنوان راهی برای حل مشکلات مشترک (به عنوان مثال ، مسائل زیست محیطی ، هویت ملی منسجم ، مسائل اقتصادی و اجرای قانون) تقویت کند. با این حال ، گروه‌های مذهبی شدیدتر غالباً این تلاش مشترک را رد می کنند ، زیرا آنها گفتگوی بین مذهبی را بخشی از توطئه برای تضعیف ایمان به دین خود می دانند .

روی آوردن به روابط درون گروهی با دیگر اعضای جامعه ایمانی: دین به عنوان مجموعه ای از ارزشهای کلیدی عمل می کند که در هنجارهای گروهی ثبت و بیان شده است. در زمینه روابط اجتماعی ، چنین هنجارهای گروهی ممکن است از نظر میزان تحمل اختلاف و مخالفت در گروه مذهبی متفاوت باشد. گاهی اوقات ، هنگامی که ارزشهای جهانی تحمل و ارزشهای خاص گروه با هم برخورد می کنند و افراد مجبور می شوند از ارزشهای خاص گروه پیروی کنند ، ممکن است نگرش های تند نسبت به مخالفان و منحرفان حاکم باشد. به عنوان مثال ، از آنجا که اسلام مشروبات الکلی را ممنوع کرده است ، برخی از مسلمانان می خواهند دولت را مجبور کنند که تجارت الکل را ممنوع کند ، بدون در نظر گرفتن این که گروه های دیگر مردم هنجارهای متفاوتی برای مصرف الکل دارند (عثمان ، 2010 الف). در زمینه اندونزی ، گروهی فعال به نام جبهه مدافعان اسلامی (FPI) یکی از گروه های بسیاری است که با هدف مجبور کردن کل ملت به پیروی از یک نسخه از هنجارهای اجتماعی اسلامی (Arifianto ، 2017) ، از این رو بعد اجتماعی افراط گرایی مذهبی در رویکرد ما در اندونزی با الگوهایی که علل معایب درون گروهی را به صورت بیرونی نسبت می دهند و گروه های خارج از گروه و همچنین همه اعضای گروه را مجبور به پیروی از هنجارهای اجتماعی محدود ، نشان می دهد. به طور طبیعی ، ابعاد اجتماعی و سیاسی دین اغلب به هم مرتبط هستند ، به ویژه در مواردی که گروه ها برای تحمیل دیدگاه افراطی اجتماعی خود به دنبال قدرت سیاسی هستند. با این حال ، در تمایز این دو بعد ، ما تأکید می کنیم که برخی از گروه ها از نظر اجتماعی بدون تأیید نظرات افراطی سیاسی یا جستجوی قدرت سیاسی از نظر اجتماعی افراطی خواهند بود. گروه هایی که بدعت گذاران داخلی را اخراج می کنند و از تماس با کافران بدون تلاش برای تسلط بر آنها خودداری می کنند ، در مدل ما قرار می گیرند .

تعامل بین ابعاد متعدد افراط گرایی مذهبی در اندونزی

----- **با تقدیم احترامات** «2021-10-06»

ادامه دارد

